



نکته قابل توجه در زندگی خانوادگی و در نقش‌های خواهری و برادری از کودکی تا بزرگسالی این است که مهر و محبتی مستمر و همیشگی در قلب فرزندان نسبت به هم، درونی و کاشته شده وجود دارد که اگرچه ممکن است مسائل یا چالش‌های مختلف آن را تضعیف و یا تقویت کند، اما آن را از بین نمی‌برد.

رابطه خواهر- برادری



نخستین فردی که یک فرزند در خانواده با آن مواجه می‌شود که جایگاهش همانند خود او و نه در مقام بزرگتر و والدین است، یک خواهر و برادر است؛ شبیه خود او اما متفاوت از او.

از خانواده که حرف می‌زنیم به پدر، مادر، والد بودنشان و فرزندان می‌رسیم. اغلب یافته‌های اخیر علمی در حوزه روانشناسی به تربیت فرزند، ارتباط پدر و مادر با فرزندان و والدگری پرداخته می‌شود و کمتر به ارتباط و تعامل فرزندان با هم اشاره می‌شود. پیش از صحبت درباره تعامل خواهرها و برادرها با هم، بهتر است به انتخاب والدین در فرزندآوری، تک‌فرزندی یا چندفرزندی اشاره کنیم. اگر خانواده را نهاد اصلی شکل دهنده یک جامعه بدانیم، بنابراین دوام و بقای جامعه را در گرو خانواده می‌بینیم و کم و کیف دوام خانواده را از ابعاد مختلف جامعه مانند اقتصاد و فرهنگ اثرپذیر می‌بینیم. باید اینطور گفت که از لحظه شروع انتخاب ازدواج تا زمانی که زن و مرد تصمیم می‌گیرند فرزند داشته باشند یا نه تا زمانی که انتخاب می‌کنند یک خانواده چندفرزندی باشند، متأثر از جامعه هستند و خود نیز برحسب انتخابی که می‌کنند، بر جامعه تأثیر می‌گذارند. اما در این یادداشت ما نمی‌خواهیم درباره فرزندآوری و یا اثر مسائل اقتصادی و فرهنگی بر تصمیم و انتخاب زوجین برای فرزند داشتن، تک فرزند یا چند فرزند صحبت کنیم، هرچند در خلال صحبت درباره تعامل خواهرها و برادرها با هم، به طور غیرمستقیم نیز به این مفاهیم اشاره می‌شود.

فرزند اول، پیشگام برادری یا خواهری

اگر از حسادت، سرخوردگی فرزند اول، تقابل برای مالکیت، حساسیت نسبت به کم و کیف محبت والدین به فرزندان اول و دوم و بعدی‌ها بگذریم، به بچه‌هایی با اختلاف‌های سنی و تفاوت‌های جنسیتی، استعدادها و علایق و ویژگی‌های متفاوتی می‌رسیم که هر کدام از این عوامل بر تعامل میانشان اثرگذار است. این تلنگر، آگاهی و مواجه شدن با تفاوت‌ها و اختلافات اول از همه جلوه‌چشمان فرزند اول اتفاق می‌افتد. در واقع حضور فرزند دوم و فرزندان بعدی، باعث شکل‌گیری نقش‌های خواهر و برادری و به تبع آن توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های هر فرد و اثر آن بر تعامل میان فرزندان می‌شود. بنابراین تا زمانی که فرزند اول شاهد حضور فرزند دوم و فرزندان بعدی در خانواده خود نباشد، شناخت و درک کاملی از نقش‌های خواهری و برادری و بزرگتر و کوچکتر بودن نخواهد داشت، مگر در تجربه غیرمستقیم و مشاهده خاله، عمه، عمه و دایی‌هایش و یا دوستان همسالش که خواهر و برادر دارند. پس در این یادداشت درباره خانواده‌هایی حرف می‌زنیم که نه تنها فرزند داشتن را انتخاب کرده‌اند بلکه بیش از یک فرزند دارند. یک اصل اساسی که اینجا شکل می‌گیرد در نسبت با نقش خواهری و برادری در خانواده است؛ یعنی زمانی که از نقش‌ها صحبت می‌کنیم، در واقع ویژگی‌ها، وظایف و حقوق آدم‌ها را در رابطه با هم می‌بینیم و تعریف و ارزیابی می‌کنیم. همین مسأله نیز در نسبت نقش‌های خواهری و برادری هم وجود دارد و همین بازی کردن نقش‌ها در زندگی خانوادگی، نوعی تمرین برای مواجه شدن با یک زندگی مستقل در آینده است.

نه پدر، نه مادر، کسی شبیه من

نخستین فردی که یک فرزند در خانواده با آن مواجه می‌شود که جایگاهش همانند خود او و نه در مقام بزرگتر و والدین است، یک خواهر و برادر است؛ شبیه خود او اما متفاوت از او. همین ویژگی همسال بودن برای شروع تعاملات میان فرزندان کافی است. بچه‌ها یاد می‌گیرند با هم حرف بزنند، بازی کنند، به یک چیز بخندند، برای یک خواسته گریه کنند،

با هم دعوا کنند و به دنبال آشتی با هم باشند و غیره. با اینکه هر کدام ویژگی‌های شخصیتی خود را دارند، اما با هم در فضای خانواده رشد می‌کنند. نقطه اتکای فرزندان به هم اغلب در مواجهه با والدین شکل می‌گیرد؛ آنجایی که در یک گروه قرار می‌گیرند و در مواجهه (خیالی) با پدر و مادر از همدیگر مراقبت‌های فکری دارند. آنجایی که فرزندان باور، اعتماد، همدلی، همفکری و مراقبت از هم را یاد می‌گیرند و شخصیت‌های حمایتگر، فعال، مستقل، معتمد و غیره را در تعامل با هم شکل می‌دهند. در واقع آموزش و یادگیری کودک و فرد در خانواده و در میان خواهر و برادرها راحت‌تر است؛ آنها می‌توانند احساسات خود را مشاهده کنند، بشناسند، کنش و واکنش‌های یک تعامل را ببینند و تمام اینها بر کیفیت ارتباطات انسانی افراد در بزرگسالی اثرگذار است. اگرچه طبق تحقیقات انجام شده نسبت تعاملات مثبت به منفی در میان خواهرها و برادرها حدود ۵ به ۱ است، اما باید گفت خلق این شخصیت‌های سازنده به آسانی و در یک تعامل سالم همیشگی اتفاق نمی‌افتد. بلکه می‌توان پس از گذراندن افت‌وخیزهای رشد هر کدام از فرزندان در خانواده و پیش بردن چالش‌های مختلف، شاهد شکل‌گیری تعامل‌های سازنده و به تبع آن رشد فرزندان در کنار هم بود. کسب تجربه مثبت فرزندان در یک خانواده بیش از کسب تجربه منفی است و همین خود یک سرمایه فکری، عاطفی، ذهنی و روانی در مسیر بلوغ و یک زندگی متعادل در بزرگسالی است.

خواهر یا برادر؟ چه تعداد؟

در پژوهشی در امریکا محققان به این نتیجه رسیده‌اند که، کسانی که خواهر یا برادر دارند در مقایسه با تک‌فرزندان با احتمال طلاق کمتری در زندگی آینده خود مواجه می‌شوند. علت این مسأله همان فرصت داشتن افراد در خانواده پدری در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی برای برقراری تعامل، ارتباط، همدلی و تمرین مهارت‌های مختلف است. فردی که در یک خانواده پرجمعیت و همزمان با دیگر خواهرها و برادرهایش در حال رشد است، با انواع تفاوت‌ها، اختلافات، چالش‌ها و مسائل شخصیتی متفاوت به طور مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شود و این مشاهده و مواجهه، قدرت حل مسأله و شکل‌گیری رفتارها و ویژگی‌های سازنده مانند صبوری، سازش، درک متقابل، محبت، مشورت، تک‌بعدی نبودن و غیره را افزایش می‌دهد. نکته دیگر درباره تعامل با خواهر یا برادری از جنس مخالف است. این مسأله مهارت‌های برقراری ارتباط با جنس مخالف در لایه‌های مختلف ارتباطی را تقویت می‌کند. اگرچه در این مسأله، والدین نقش قابل توجهی دارند؛ آنها بر ارزش‌گذاری و برقراری تعادل میان دو جنسیت فرزندان، نسبت عاطفی و تعامل میان آنان را تنظیم می‌کنند. بنابراین والدین می‌توانند به عنوان یک واسطه با رفتارهای متفاوت اما منصفانه و با تعامل درست خود با همسر، کنش‌مکش‌های گاه و بیگاه خواهران و برادران را که یک مسأله اجتناب‌ناپذیر است، مدیریت کرده و

بذر محبت به همنوع از شروع نقش خواهری و برادری

نکته قابل توجه در زندگی خانوادگی و در نقش‌های خواهری و برادری از کودکی تا بزرگسالی این است که مهر و محبتی مستمر و همیشگی در قلب فرزندان نسبت به هم درونی و کاشته شده وجود دارد که اگرچه ممکن است مسائل یا چالش‌های مختلف آن را تضعیف و یا تقویت کند، اما آن را از بین نمی‌برد. اگرچه شکل دعواهای کودک در بازی و برسر یک خواسته و یا یک اسباب‌بازی در بزرگسالی تغییر می‌کند، اما برخورد و تقابل‌ها، انتخاب رفتار و واکنش‌ها نسبت به چالش‌های دوران بزرگسالی، با بلوغ و آگاهی بیشتری میان خواهرها و برادرها اتفاق می‌افتد، چرا که تجربه تعامل و تقابل کودک که حالا تبدیل به خاطراتی برای آنها شده، در واقع بنیان محبت و در کنار آن تعقل و انجام کار درست را در نسبت با هم شکل داده است. این مسأله فقط در نسبت با خود خواهر و برادر در بزرگسالی نیست بلکه به دیگر روابط فرزندان با خانواده جدید خود در بزرگسالی مانند همسر و فرزندان نیز شکل و رنگ می‌دهد. شاید به جرات بتوان گفت زندگی با داشتن خواهر و برادری از کودکی، سهل‌تر و روشن‌تر است و جنبه‌هایی از مسائل زندگی را برای افراد روشن می‌کند که دیگران از آن آگاه نیستند و یا این وضع را می‌توانم به سوالات اختیاری برگه امتحانی مثال بزنم و فردی با تجربه نقش خواهری یا برادری را کسی بدانم که پاسخ تمام سوالات اختیاری را می‌داند و به همه جواب می‌دهد.

سارا مؤمنی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

در پژوهشی در امریکا محققان به این نتیجه رسیده‌اند که، کسانی که خواهر یا برادر دارند در مقایسه با تک‌فرزندان با احتمال طلاق کمتری در زندگی آینده خود مواجه می‌شوند. علت این مسأله همان فرصت داشتن افراد در خانواده پدری در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی برای برقراری تعامل، ارتباط، همدلی و تمرین مهارت‌های مختلف است. فردی که در یک خانواده پرجمعیت و همزمان با دیگر خواهرها و برادرهایش در حال رشد است، با انواع تفاوت‌ها، اختلافات، چالش‌ها و مسائل شخصیتی متفاوت به طور مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شود و این مشاهده و مواجهه، قدرت حل مسأله و شکل‌گیری رفتارها و ویژگی‌های سازنده مانند صبوری، سازش، درک متقابل، محبت، مشورت، تک‌بعدی نبودن و غیره را افزایش می‌دهد.

نکته دیگر درباره تعامل با خواهر یا برادری از جنس مخالف است. این مسأله مهارت‌های برقراری ارتباط با جنس مخالف در لایه‌های مختلف ارتباطی را تقویت می‌کند. اگرچه در این مسأله، والدین نقش قابل توجهی دارند

